

فوتبال بانوان در نقطه استارت



تیم ملی فوتبال بانوان بالاخره کارش را با برپایی اردوهای تمرینی آغاز کرد. تیمی که به تازگی نیمکت خود را شناخته و آماده می شود که در جام ملت های آسیا به مصاف رقیبش برود. عزیزی خادم رییس فدراسیون فوتبال در جلسه ای که با سرمربی های بانوان داشت، قول های حمایتی زیادی داد و امید می رود که آن قول ها به نوبت رخت عمل بیوشند. در همین راستا یکی از اتفاقات خوبی که قرار است برای فوتبال بانوان رقم بخورد، برگزینی نخستین و ورزشگاهی که هنوز تابلوی ورود ممنوعش روی بانوان تماشاچی قرار دارد اما راه را برای دیدار دوستانه ملی پوشان باز کرده است. این اتفاق به درخواست مربی ایران دوست، سرمربی تیم ملی فوتبال بانوان بوده که با موافقت عزیزی خادم مواجه شده است. او در این باره گفت: «این درخواست با موافقت عزیزی خادم همراه شد و قرار است تیم ملی فوتبال زنان دیدار دوستانه ای با تیم شارلوا بلژیک در ورزشگاه آزادی برگزار کند. البته هنوز زمان این دیدار مشخص نیست.» اینکه تیم ملی فوتبال بانوان می تواند از زمین ورزشگاه آزادی استفاده کند، اتفاق خوبی است. طبیعتاً اگر امکانات و شرایط بیشتر و بهتری هم در اختیار این دختران قرار بگیرد، می توان انتظار نتایج و عملکرد خوبی از این تیم داشت. دختران ورزشکار ایران چه در فوتبال و چه رشته های دیگر نشان داده اند که می توان با برنامه ریزی و سرمایه گذاری، روی شان حساب کرد. حالا هم شاگردان ایراندوست در تلاش هستند که نشان دهند لایق حمایت های بیشتر هستند.

سهراب وزنه المپیک را مهار نکرد

سهراب مرادی وزنه دار ایران که برای استفاده از آخرین فرصت کسب سهمیه المپیک راهی کلمبیا شده بود، باز دست دادن امتیازات این گزینشی، المپیک را از دست داد. سهراب به دنبال کسب سهمیه از طریق عنوان برترین وزنه دار قاره آسیا بود. او در این مسیر باید حداقل رکورد ۲۸۸ کیلوگرم مجموع رانته می کرد که بالاتر از رقیب قر قیز قرار بگیرد و راهی توکیو شود. سهراب در اولین حرکت یک ضرب وزنه ۱۷۰ کیلوگرمی را بالای سر برد اما داوران مهاروی را خطا تشخیص دادند. او در حرکت دوم این وزنه را بالای سر برد و چرخ سفید هم گرفت اما بلافاصله در میج دستش احساس درد شدید کرد. مصدومیت او تا حدی جدی بود که دست از ادامه رقابت کشید و نه برای حرکت سوم یک ضرب روی تخته آمد و نه حرکت های دو ضرب. به این ترتیب او باز دست دادن امتیازات این مسابقه، المپیک را هم از دست داد.

باحدف مرادی و انصراف رستمی از مسابقات تیم ایران در دسته ۹۶ کیلوگرم نماینده ای در توکیو نخواهد داشت. اما اگر نامه درخواستی فدراسیون به فدراسیون جهانی با واکنش مثبت مواجه شود کیانوش در جمع برترین ها قرار خواهد گرفت و به همراه کاروان ایران به توکیو خواهد رفت. در غیر این صورت توفیق اجباری نصیب علی هاشمی خواهد شد تا به عنوان نماینده ایران در توکیو در دسته ۱۰۹ کیلوگرم روی تخته برود. هر چند با حضور نمایندگان قدرتمندی از چین، ازبکستان و ارمنستان شانس هاشمی برای رسیدن به سکودر پایین ترین سطح است.

قلم قرمز آکتونو این بار روی اکبری

ولادامیر آکتونو سرمربی تیم ملی والیبال سرانجام تکلیف لیست بازیکنان و همراهانش در کادر فنی را مشخص کرد. طبق اعلام آکتونو میلاد عبادی پور، رضا عابدینی، سعید معروف، سیدمحمد موسوی، پوریا فیاضی، محمدرضا حضرت پور، مسعود غلامی، امیر غفور، صابر کاظمی، محمدجواد معنوی نژاد، علی اصغر مجرد، علی شفیعی، میثم صالحی، محمدطاهر وادی، آرمان صالحی، امیرحسین اسفندیار و بردیاسعد در لیگ ملت ها حضور خواهند یافت. همچنین توماس توتولو (دستیار اول)، محمدرضا تندروان (دستیار دوم)، سیامک افروزی (پزشک و تراپست)، نوید مشجری (آنالیزور)، مهدی خیز (بدنساز) و مانلی کسرابی (مترجم) در کادر فنی حضور دارند. نکته مهم این لیست خط کشیدن آکتونوری نام پیمان اکبری است. کسی که سال ها به عنوان مربی تیم ملی روی نیمکت نشسته اما این بار بیرون از لیست سرمربی بود.

آقایان گل محمدی و مجیدی؛ اجازه بدهید قانع نشویم...

شما مظلوم نیستید!

آن چه در این دربی بیشتر از هر چیزی به چشم آمد، اصرار بیش از حد یحیی گل محمدی و فرهاد مجیدی به «مظلوم» واقع شدن خودشان و تیم های شان بود. حتی اگر این مریدان حق داشتند و درست می گفتند، باز هم غرور و افتخاری در مظلومیت وجود نداشت اما حقیقت آن است که چنین ژست هایی اصلاً به یحیی و فرهاد نمی آید. اگر واقعاً قرار باشد فوتبال ایران را بر اساس مظلوم واقع شدن تیم های مختلف تقسیم بندی کنیم، بدون شک این دو مربی هرگز در صدر فهرست مظلوم ها قرار نمی گیرند. پس بهتر است هر چه زودتر، چنین ژست هایی را ترک کنند.



آر بار هنوز در

در روزهای منتهی به برگزاری دربی، همه تلاش و تمرکز مربیان دو تیم، روی یک مفهوم استوار شده بود. اینکه ثابت کنند تیم خودشان تنهاست و تیم حریف، حمایت های زیادی دارد. هر چقدر که کنفرانس مطبوعاتی یحیی و فرهاد را انگشتیم، هیچ نشانی از صحبت های جذاب فنی یا حداقل کری های شنیدنی برای

چهره به چهره

جعل قرارداد، دستاویزی برای محکوم کردن بازیکن

این «تراکتور» راه نمی رود!

آر باتاری

پیروز شدن رضا شکاری در پرورنده شکایت از باشگاه تراکتور، خبر عجیبی نبود. چرا که باشگاه پیش از این نیز در معرض چنین شکایت ها و پرونده هایی قرار گرفته بود. آن چه این ماجرا را کمی حادتر می کند، مسجل شدن جعل قرارداد تراکتوری ها در این پرونده است. اتفاقی که هرگز نباید در یک باشگاه حرفه ای فوتبال رخ بدهد. به صورت همزمان با این اتفاق، مسعود شجاعی هم اعلام کرد که به زودی باشگاه را ترک خواهد کرد. به نظر می رسد یک دوران دیگر در تراکتور بدون رسیدن به موفقیتی فوق العاده، خیلی زود به پایان خواهد رسید.

نه پیوستن رضا شکاری به تراکتور و نه نحوه جدایی او از این باشگاه، نسبتی با رویه های «استاندارد» یک انتقال فوتبالی نداشتند. شکاری در حالی که با جارج و جنجال از فوتبال روسیه جدا شده بود و هنوز پرونده ای باز در باشگاه ذوب آهن اصفهان داشت، مورد توجه پرسپولیس قرار گرفت و در یک قدمی پیوستن به این باشگاه بود اما در دست وقتی همه منتظر اولین تصویر از این

اتفاق روز

سر و صدای نقل و انتقالاتی پیرامون فوتبال لیست دورگه

هیجان زده نشوید!

خبر سفر «اریان تفضلی» به ایران، سر و صداهای نقل و انتقالاتی زیادی به راه انداخته است. بعضی ها او را در آستانه انتقال به پرسپولیس می دانند و بعضی ها از احتمال دعوت رایان به تیم ملی حرف می زنند اما در شرایط فعلی، این خبر چندان هیجان انگیز به نظر نمی رسد. بعید است که در آگان اسکوپچیچ در اردوی جدید تیم ملی، به سراغ یک بازیکن جدید و تا حدودی ناشناخته برای فوتبال ایران برود. علاوه بر این، تا امروز برای مسائل ویزا و پاسپورت، فدراسیون از فوتبال لیست های زیادی مدرک گرفته و صحبتی از اضافه شدن تفضلی به تیم ملی نبوده است. اگر هم هدف از پیوستن به پرسپولیس باشد، هنوز زمان زیادی تا پایان

است. جالب اینکه در نیم فصل اول وقتی استقلال را با محمود فکری چنین اعتراضی را مطرح کرده بودند، خود گل محمدی این صحبت ها را بی اساس می دانست اما همین حالا، خود این مربی در مسیری قرار گرفته که روزی منتقد آن به شمار می رفت.

موقعیت فرهاد مجیدی هم اصلاً متفاوت نیست. او در یک اظهار نظر باورنکردنی، به «ایفمارک» حمله کرده و آنها را در مظان اتهام تلاش برای کمک به پرسپولیس قرار داده و بالحنی حق به جانب، مدعی شده که یحیی و پرسپولیس ها به چنین کارهایی نیاز ندارند! اینکه بین مجیدی و ایفمارک دقیقاً چه چیزی گذشته، مربوط به خودش است. اینکه ایفمارک تاکید دارد که پزشک معرفی شده از سوی فرهاد برای آبی ها دارای مدرک تخصصی نیست و اساساً مدرک دندانپزشکی دارد، موضوع دیگری است که آن هم باید در مجامع قانونی مورد بررسی قرار بگیرد. آنچه مهم به نظر می رسد، این است که اساساً چنین موضوع کم اهمیتی نباید در چنین جلسه مهمی به زبان آورده شود. اگر واقعاً باور داریم که دربی مسابقه مهم و تاثیر گذاری است، نباید دامن بازی را به چنین حرف هایی آلوده کنیم. علاوه بر این، فرهاد تاکید دارد که به جز انتخاب «سرپرست» همه اعضای دیگر تیمکت باید با تصمیم شخص او انتخاب شوند. این اولین بار است که یک مربی حتی انتخاب پزشک باشگاه را نیز راساً بر عهده می گیرد. اینکه فرهاد روی کار خودش حساس است و به کسی هم اجازه دخالت نمی دهد، اتفاق مثبتی به نظر می رسد اما معلوم نیست که چرا یک مربی باید با وجود همه دغدغه ها و مشغله های بزرگی که در ذهن دارد، وقتش را با تلاش

شهر منچستر، علاقه رنگی «گری نویل» را به عنوان بهترین کارکنان تلوویزیونی در این کشور زیر سوال ببرد. در فوتبال ایران اما ظاهر آوازش، خیلی مهم تر از متن شده اند. یحیی در شرایطی این حرف را به زبان می آورد که در همین چند سال اخیر بسیاری از مجریان تلوویزیونی در ایران به خاطر کری های تند و حتی گاهی بی ادبانه علیه استقلال و مربیانش، روی آنتن از هواداران فوتبال عذر خواهی کرده اند. اصلاً به فرض

که حرف یحیی صحت داشت و همه مجریان رسانه ملی هوادار سرسخت باشگاه استقلال بودند. حتی در این صورت هم نمی شد این نکته را یک نکته مهم و کلیدی بر شمرده اصلاً چه اهمیتی دارد که مجری فلان برنامه صحنه ای در فلان شبکه دلیاخته کدام تیم فوتبال است. این موضوع نمی تواند هیچ تاثیری در شرایط تیمی مثل پرسپولیس داشته باشد. یحیی علاوه بر این موضوع، به برنامه ریزی سازمان لیگ هم معترض

فوتبال آسیا کشیده شود، حتی ممکن است مسائلی نظیر سقوط به دسته پایین تر در انتظار تراکتور باشد اما در فدراسیون فوتبال، هیچ برخوردی با این تیم نمی شود. چنین مصونیتی همیشه برای زنوزی وجود داشته است. همین که او زمانی توانسته به صورت همزمان با دو تیم تحت مالکیت خودش در لیگ برتر حاضر شود، نشان می دهد که این مالک از مصونیتی آهنگین در فوتبال ایران برخوردار است.

نکته عجیب و دور از انتظار، تلاطم حمایت های بخشی از هواداران باشگاه از روند فعلی تراکتور است. البته که زنوزی و هم راهان، دیگر آن محبوبیت سابق را از دست داده اند اما به نظر می رسد طرفداران این تیم، باید حساسیت بیشتری از خودشان به خرج بدهند. اینکه باشگاه با وجود همه این هزینه ها هنوز هم نتوانسته برای اولین بار قهرمانی در رقابت های لیگ برتر را جشن بگیرد، نشانگر این است که در واقعیت به نظر می رسد اما حقیقتاً مسائلی مانند جعل قرارداد، بیشترین اثر را بر تیم، از اعتبار تیم، از زیر سوال می برد. باشگاهی که دیگر به جعل قرارداد «مشهور» شده، برای ترمیم وجهه و اعتبار از دست رفته اش باید سال های سال تلاش کند. جالب اینکه هر زمان انتقادی از زنوزی مطرح می شود، او مساله «نخل» باشگاه را به زبان می آورد. در حقیقت به نظر می رسد فوتبال ایران، به جای خصوصی سازی، به سراغ پدیده قلدر پروزی رفته و زور هیچ کس هم به این چهاردهای خاص نمی رسد. همین حالا در شهر منچستر، هواداران منچستر یونایتد هر

آکادمی ساوتهمپتون ملحق شد و بعد از مدتی بازوبند کاپیتانی تیم زیر ۱۸ سال باشگاه را

نیز به دست آورد با این حال باشگاه پس از مدتی این بازیکن را به تیم سالیسبری در



هر چقدر که کنفرانس مطبوعاتی یحیی و فرهاد را گشتیم، هیچ نشانی از صحبت های جذاب فنی یا حداقل کری های شنیدنی برای حریف پیدا نکردیم. همه حرف این دو مربی در این موضوع خلاصه می شد که باشگاه شان، مورد ستیم واقع شده و از هیچ حمایتی برخوردار نبوده است

برای انتخاب اعضای باشگاه پشت سر بگذارد. و نه اینها باید اعضای کادر فنی را انتخاب کند اما ظاهر تصمیم داردهمه چهاره های حاضر روی نیمکت تیم را تنها با تصمیم خودش کنار هم قرار بدهد. روندی که ممکن است بخشی از زمان و تمرکز لازم برای پیشرفت دادن تیم را از این مربی بگیرد. ساختن استقلال در زمین، باید اولویت اول فرهاد باشد اما ظاهر انتخاب افراد مختلف برای پست های مختلف در باشگاه، به دغدغه مهم تری برای او تبدیل شده است.

اگر چنین صحبت هایی را از مربیان سنی در فوتبال ایران می شنیدیم، تا این اندازه ناامید نمی شدیم اما شنیدن این حرف ها از مربی جوان و به روز که مدعی علم گرای هم هستند، واقعاً ناراحت کننده به نظر می رسد. تاسف بار است که در این فوتبال، هنوز ژست مظلومیت خریدار دارد و هنوز، افرادی بر سر «بدبخت تر» بودن با هم مسابقه می گذارند! کاش مربیان مختلف، دست از چنین رفتار هایی بردارند و فقط کمی به خود فوتبال باز گردند. همه این مسائل بیرونی، تاثیری به جز لطمه زدن به خود فوتبال ندارند.

روز علیه مالکان باشگاه اعتصاب به راه می اندازند و تظاهرات می کنند. جالب اینکه همین تیم به فینال این فصل لیگ اروپا رسیده و در لیگ انگلیس هم شرایطی بد ندارد اما هوادارها تنها به نتیجه نگاه نمی کنند و به شایعه مدیر تیم معترض هستند. همین حساسیت موجب می شود باشگاهی یونایتد حتی در بهترین شرایط هم آولش را از دست ندهد و دست به رفتار هایی غیر حرفه ای زنند. اینجا اما بخشی از هوادارها هنوز برای افرادی هور می کشند که برای بردن یک پرونده از هیچ نوع رفتار غیر قانونی برهیز ندارند. در چنین شرایطی، اصلاً نباید به آینده تراکتور امیدوار بود. باشگاهی که در آن، تصمیم های به شکل نامید کننده ای علیه ذات و ماهیت فوتبال هستند و بیشتر از هر چیزی، اخلاق حرفه ای را زیر سوال می برند.

در بازگشت از اسواد در شرایطی که تیم خسته تراکتور بیشتر از همیشه به همه ستاره هایش نیاز داشت، اشکان و مسعود تیم را برابر یکدیگر همراهی نکردند. کار به جایی رسیده که حتی مهره های تیم هم علیه مالکیت استوری گذاشته اند و یک فایل صوتی از شجاعی، به وضوح نشان داده که او به دنبال ترک تیم است. بازیکنی که تا همین چند وقت قبل با تصمیم زنوزی همه کاره تراکتور شده هم دیگر به این مالک اعتماد نکرد. در چنین شرایطی یک فراهیم کرد. پس از سقوط هال سیتی، فصل به راحتی از دست می رود. چرخ های این تراکتور را اما از مدت ها قبل پنجر کرده اند.

رده های پایین تر فوتبال انگلستان فرستاد. او در اولین فصل بازی در لباس این تیم از زمین اخراج شد تا بدترین شروع ممکن را تجربه کند. او پس از مدتی دوباره به ساوتهمپتون برگشت اما از آن جایی که نتوانسته بود جایی در ترکیب اصلی تیم پیدا کند، دوباره پیراهن سالیسبری را بر تن کرد. در سال ۲۰۱۱ باشگاه ساوتهمپتون رسماً قرارداد تفضلی را فسخ کرد تا این مدافع به تیم کنکور در یک لیگ محلی در انگلستان ملحق شود.

رایان در سال ۲۰۱۲ به باشگاه منسفیلد ملحق شد و در این باشگاه، کمی پیشرفت کرد. او چهار سال در عضویت این تیم بود و دوران نسبتاً خوبی را در منسفیلد پشت سر گذاشت. تفضلی در سال ۲۰۱۶ به سطح سوم فوتبال انگلیس پیوست تا برای باشگاه پیتربورو به میدان

برود. او در اولین فصل بازی برای این باشگاه، بهترین مدافع فصل شد و سپس عنوان بهترین بازیکن فصل را نیز از آن خودش کرد. اتفاق بزرگ زندگی این بازیکن، با امضای قرارداد با باشگاه هال سیتی رقم خورد. تیمی که شانس بازی در رقابت های چمپیون شپ را برای این بازیکن فراهم کرد. پس از سقوط هال سیتی، رایان راهی باشگاه وایکومب و ندرز شد، با این حال این باشگاه نیز در پایان این فصل از این دسته سقوط کرد.

نام رایان تفضلی اولین بار در دوران کی روش در اطراف تیم ملی شنیده شد. با این حال در نهایت چنین اتفاقی رقم نخورد و او به فوتبال ایران اضافه نشد. حالا دیگر بعید است که چنین اتفاقی رخ بدهد. چرا که او روزهای خوبی را نیز در فوتبال انگلیس پشت سر گذاشته و تیم هایش نیز پشت سر هم، طعم سقوط را چشیده اند.